

سرمقاله

«آینده پژوهی»، به منزله علم و هنر کشف آینده و مهارت شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. آینده برای ادیان، کشورها، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، نهادها و حتی افراد بشر با اهمیت بوده و تأثیر به‌سزایی در اتخاذ خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دارد. آینده «ثروت نرم» است؛ لذا هر جامعه، سازمان و نهادی که خواستار تحولات بنیادی است، ضرورتاً باید با استفاده از روش‌های مختلف آینده به کشف ناشناخته‌ها و جهان آینده پردازد. به خصوص اینکه آینده جهان - براساس پیش‌بینی‌های فراوان - مبتنی بر دانش محوری و فرهنگ سالاری است. در واقع جهان در حال گذر از عصر صنعت و تولید محوری، به سوی عصر اطلاعات و دانایی و دانش محوری است و جامعه جهانی، جامعه فرهنگی خواهد بود. بر این اساس نیروی فکری و انسانی کارآمد در جامعه آینده، نیرویی است که از عهده تولید دانش و بسط فرهنگ و تبدیل آن به نوآوری بیاید.

سرعت شتابان فن‌آوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی، ویژگی‌هایی را برای هزاره سوم رقم زده که شگفت‌آور و در عین حال موجب حیرت و سرگشتگی انسان بوده است. این دوران را شاید بتوان، به متناقض‌ترین عصر بشری تعبیر کرد؛ چرا که تحولات بزرگی که آغاز شده و همه عرصه‌های زندگی را در بر گرفته است و انسان را در برزخ میان هراس و امید قرار داده و نوعی اضطراب و تشویش برایش به ارمغان آورده است. از دیدگاه افرادی چون کاستلز، تافلر و... جهانی نو در پایان هزاره

شکل گرفته است. انقلاب تکنولوژی اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها، فزونی جنبش‌های اجتماعی - فرهنگی و... از ویژگی‌های این دوران است. این مهم می‌طلبد که به دقت «آینده» را مورد کاوش و بررسی قرار داده و چشم اندازه‌های نوین آن را رصد نموده یا خلق کنیم. مهمتر از آن اینکه: اندیشیدن درباره آینده، برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری بایسته و در خور توجه است. واکنش بدون تفکر و نگاه به آینده امکان پذیر است، اما کنش امکان پذیر نیست؛ چرا که عمل نیاز به پیش بینی دارد. بدین ترتیب تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیشران‌های اقدامات و فعالیت‌های فعلی ما هستند. بنابراین آینده امری است که مردم می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند و برتر از آن به جامعه مطلوب و آرمانی خود برسند. مردم برای آنکه عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش‌های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آنها است، بررسی کنند. این پیامدها، تنها در آینده خود را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال وقوع را بفهمند؛ بلکه می‌کوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتد یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با استفاده از این شناخت حدسی، موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال می‌کنند و از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند.

به هر حال، در جهان به شدت متحول و رقابتی امروز، توانایی‌های فرهنگی، فن‌آوری‌های نرم و مزیت‌های معنوی - دینی به تدریج جایگزین فن‌آوری‌های سخت و مزیت‌های تکنولوژیک شده و فرآیندها نیز به جای ساختارها مورد اقبال قرار گرفته‌اند. بر این اساس کشورها و نهادهایی که خواهان تغییرات پیشرو و بنیادین هستند، باید «آینده پژوهی» را محور برنامه‌های خود قرار داده و به جای ساختارها بر فرآیندها متمرکز شوند. این انگاره باید جایگاه ویژه‌ای در جامعه دینی ما نیز داشته

باشد و همه برنامه ها، سیاست‌ها، و استراتژی‌ها را بر اساس واقعیت‌های جهان آینده سامان دهد. «آینده پژوهی دینی»، با بالندگی و شکوفایی خود، می‌تواند بستر حرکت سالم و مطمئن به آینده را شکل دهد و بر اساس «آموزه مهدویت»، آینده حقیقی و قطعی را محور و مرکز فعالیت‌ها و برنامه‌ها بسازد.

در برنامه‌های آینده پژوهی اهداف گوناگونی در نظر گرفته شده است. این اهداف را می‌توان در قالب سه موضوع اصلی تقسیم بندی کرد:

۱. **ساختن اطلاعات و دانش‌هایی در جهت کمک به روند تصمیم‌گیری؛** ارائه اطلاعات و آگاهی‌ها، بر جمع‌آوری و تحلیل داده‌هایی در زمینه‌هایی چون روندهای جامعه و تاریخ، شرایط آینده موارد بحرانی و... تمرکز دارد. شناسایی فرصت‌های مختلف و موقعیت‌های نو ظهور که بیشترین فایده را به همراه دارند و نیز معرفی چالش‌ها و خطرات احتمالی و چاره‌اندیشی برای مقابله با آنها (دوراندیشی و حزم) از دیگر اهداف آینده پژوهی است.

۲. **زمینه‌سازی و ایجاد مدل‌های واقعی یا ذهنی مبتنی بر آینده پژوهی؛** در این هدف، بیشتر به ارائه الگوها و مدل‌هایی پرداخته می‌شود که در پردازش اطلاعات و دانش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نقش ایفا می‌کند. از این منظر، سعی بر آن است که راه‌های جدید و وسیع‌تر اندیشیدن باعث می‌شود که مردم بهتر برای آینده آماده شوند و اراده‌های واقعی برای تغییر آینده شکل بگیرد.

۳. **تشکیل یک چشم‌انداز گروهی برای آینده و دستیابی به وفاق عمومی؛** در اینجا به نحوه بهره‌وری از اطلاعات و آگاهی‌ها متمرکز شده و اهمیت خروجی‌ها و بروندهای آینده پژوهی را آشکار می‌سازد. اهمیت این مطلب در همسو شدن همه نهادهای تأثیرگذار در جهت رسیدن به یک هدف مشترک می‌باشد. بر اساس این اهداف، می‌توان شاهد شکل‌گیری انواع آینده‌شناسی‌ها و آینده‌نگاری‌ها بود و رویکردهای مختلفی را شناسایی کرد.

«آینده‌شناسی» (گمانه‌زنی در خصوص روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه‌ای)؛ «آینده‌پیمایی» (به معنای بسط تحولات گذشته به

آینده، با استفاده از برخی فرصت‌های خاص برای تداوم یا تغییر روندها؛ «آینده‌نگری» (به معنای محاسبه یا پیش‌گویی برخی از رویدادها یا شرایط آتی)؛ «تحلیل اکتشافی مبتنی بر چشم‌انداز» (به معنای ترسیم و تصویر آینده‌های محتمل در پرتو علیت‌های گذشته و تعامل میان مقاصد طرف‌های ذی‌نفع)؛ «پیش‌بینی» (به معنای ارزشیابی یک روند، با درجه‌ای از اطمینان در طول یک دوره خاص)؛ «برآورد» (به معنای تجزیه و تحلیل موقعیت‌ها، روندها، احتمالات و ممکنات آتی کنش‌ها در موقعیت‌های خاص و مشخص) و... منظرهای مختلفی از آینده را فراروی ما قرار می‌دهد.

امید است پژوهشگران و اندیش‌ورزان گرامی، با ورود آگاهانه و روش‌مند در این ساحت، بتوانند سمت و سوی آینده پژوهی فعلی را تغییر داده و مبانی و اصول دینی آن را تبیین کنند و به این نکته مهم توجه نمایند که آینده‌پژوهی، به عنوان یک ابزار بسیار مؤثر در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... به دولتها کمک می‌کند تا در شرایط دنیای امروز به چالش‌هایی همچون جهانی شدن و رقابت فزاینده پاسخی مناسب ارائه و اقداماتی مؤثر انجام دهند. بر این اساس حکومت دینی نیز باید به کمک «آینده پژوهی»، ضمن شناسایی وضعیت‌های محتمل، ممکن و مرجح آینده، پاسخ‌ها و برنامه‌های مناسب و مؤثری ارائه دهد. در این رابطه، موضوعات و محورهای فراوانی برای پژوهش و کاوش در این زمینه وجود دارد که افق‌های نوینی فرا روی آینده‌پژوهان مسلمان قرار می‌دهد؛ از جمله:

۱. مبانی دینی آینده پژوهی؛
۲. اصول آینده پژوهی؛
۳. چیستی و ماهیت آینده پژوهی؛
۴. روش‌های آینده پژوهی؛
۵. مکاتب و رویکردهای آینده پژوهی؛
۶. آینده پژوهی و بحران‌ها و چالش‌های فراروی بشر؛

۷. آینده پژوهی و خلق چشم‌اندازها؛
۸. آینده جهان در چشم‌انداز جهانی شدن و جهانی سازی؛
۹. نقاط اشتراک و افتراق مهدویت پژوهی و آینده پژوهی؛
۱۰. آینده پژوهی مهدوی و فرصت‌ها و راه‌کارها؛
۱۱. نقش آینده پژوهی دینی (مهدوی) در خلق چشم‌اندازهای ملی و جهانی؛
۱۲. آینده جهانی اسلام و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه آن؛
۱۳. مبانی جامعه‌شناختی نگرش انسان معاصر به آینده؛
۱۴. مبانی روان‌شناختی نگرش انسان معاصر به آینده؛
۱۵. مبانی فلسفی نگرش انسان معاصر به آینده؛
۱۶. پست مدرنیسم و آینده‌گرایی؛
۱۷. نقد نظریات معطوف به آینده (پایان تاریخ، جنگ تمدن‌ها، امواج تافل)؛
۱۸. هالیوود و آینده‌نگری و

رحیم کارگر
همکار پژوهشی

